از آن‌همه دیروز / بازخوانی تاریخ

وقتی بیدها گریه می کنند

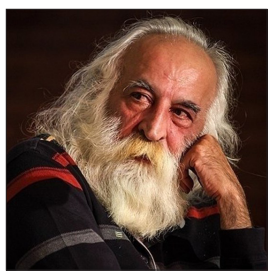

محمدرضا لطفی ۱۷ دی ماه سال ۱۳۲۵ در گرگان به دنیا آمد. موسیقی را نزد استادانی چون علی اکبر شهنازی و حبیب‌الله صالحی در هنرستان موسیقی فراگرفت. سپس در دانشکده موسیقی نزد استادان بنام موسیقی آن زمان از جمله نورعلی برومند، عبدالله دوامی و سعید هرمزی به تکمیل آموخته‌هایش پرداخت. استعداد شگفت او در نواختن تار و سه‌تار و ساخت تصنیف‌هایی با بار حماسی و عرفانی خیلی زود او را به شهرت رساند. لطفی در سال ۱۳۴۳ جایزه نخست موسیقی‌دانان جوان کشور را به دست آورد. همچنین در جشنواره موسیقی جشن هنر ۱۳۵۴ در شیراز به همراه محمدرضا شجریان و ناصر فرهنگ‌فر به اجرای راست پنجگاه پرداخت که بسیار مورد توجه قرار گرفت. او عبدالله دوامی را در اجرای ردیف آوازی با ساز تار همراهی کرده است.

سال ۱۳۵۳ به عضویت گروه علمی دانشکده موسیقی درآمد و در همین سال همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. سال ۱۳۵۴ گروه شیدا را راه‌اندازی کرد و به همراه گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده به بازخوانی و اجرای دوباره آثار گذشتگان پرداخت.

کانون موسیقی چاووش را با همکاری هنرمندانی مثل حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، علی اکبر شکارچی و... راه‌اندازی کرد و طی یک فعالیت چشمگیر آثاری از این گروه به جای ماند که به گفته بسیاری از اساتید از بهترین کارهای موسیقی ایران به شمار می‌روند. «گریه بید» از جمله درخشان‌ترین آثار اوست. از دیگر آلبوم‌هایش می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: زخمه ساز، بهانه از توست، خموشانه، بیداد و... محمدرضا لطفی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳ درگذشت.

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

رقابت «هری پاتر» و «ناتور دشت»

از میان ۵۰ رمان تاریخ ادبیات جهان، بهترین رمان دوران «بلوغ» انتخاب می‌شود

در یک فستیوال ادبی که برای انتخاب بهترین رمان درباره سن بلوغ و بزرگ شدن نوشته شده، هری پاتر و جین ایر مقابل هم قرار می‌گیرند و البته سلینجر نیز جای خود را دارد. به گزارش ایندیپندنت، امسال هیاتی از متخصصان ادبی سعی می‌کنند بهترین رمان نوشته شده در تاریخ درباره «رسیدن به سن بلوغ» را معرفی کنند و با این کار به یک سوال کلیدی پاسخ می‌دهند: آیا اثری می‌تواند «ناتور دشت» نوشته جی‌دی سلینجر را شکست دهد؟ سازمان‌دهندگان فستیوال ادبی ایندپندنت بَت، فهرستی اولیه شامل ۵۰ رمان را ترتیب داده‌اند که گستره آن چند قرن و سبک ادبی را در بر می‌گیرد و هری پاتر را مقابل جین ایر و پیپ از رمان «آرزوهای بزرگ» چارلز دیکنز را مقابل کریستوفر، پسر نوجوان رمان «ماجرای عجیب سگی در شب» قرار می‌دهد. ویو گراسکوپ مدیر هنری فستیوال، این فهرست را از بررسی‌های قبلی، پیشنهادهای متخصصان و راه‌حل‌های رسانه اجتماعی جمع‌آوری کرده است. «محور موضوعی کلی» مورد نیاز برای ورود به این فهرست این است که رمان باید به تجربه‌های حرکت از کودکی به سمت بلوغ بپردازد و باید خواننده در حالیکه سال‌های نوجوانی‌اش را پشت سر می‌گذارد آن را کشف کند. انتخاب‌های گلچین شده «زنان کوچک» نوشته لوییزا می آلکوت، «ورنون گاد لیتل» نوشته دی‌بی‌سی پیَر، «گوشت روی گندم» نوشته چارلز بوکفسکی و «بادبادک‌باز» نوشته خالد حسینی را هم شامل می‌شوند. خانم گراسکوپ گفته است: «من می‌خواهم گستره انتخاب‌ها تا جایی که ممکن است بزرگ باشد تا داوران بتوانند واقعا بحث کنند و درست پارامترها را تعیین کنند. مهم است که این رمان‌های رسیدن به بلوغ را به عنوان چیزی تساوی‌گرا ببینیم و آن وقت می‌توانیم چشم‌های‌مان را از طریق ادبیات به تجربه‌های زندگی فرد دیگری باز کنیم». رمان‌های ژانر بزرگسالان جوان این لیست شامل «بازی‌های گرسنگی» سوزان کالینز می‌شود و رمان «هری پاتر و سنگ جادو» نوشته جی‌کی رولینگ هم در آن حضور دارد. ممکن است فکر کنید هری پاتر رمانی درباره رسیدن به سن بلوغ نیست اما مدیر این فستیوال می‌گوید؛ «برای یک نسل، این کاملا یک رمان رسیدن به سن بلوغ است». از دیگر داستان‌های غیرعادی فهرست هم می‌توان به رمان پادآرمان‌گرای «هرگز مرا رها نکن» کازوئو ایشیگورو و «ارباب مگس‌ها» به قلم ویلیام گولدینگ اشاره کرد.

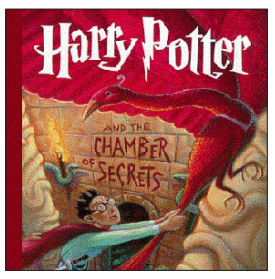

سلینجر هم با «ناتور دشت» از اصلی‌ترین مدعیان این فستیوال است. «ناتور دشت» جی‌دی سلینجر یکی از رمان‌های محبوب بدیهی این فهرست است که در مدارس جهان درس داده می‌شود. خانم گراسکوپ می‌گوید: «آیا چیزی می‌تواند ناتور دشت را از مقام اول کنار بزند؟ شخصا من طرفدار رمان «ظرف زنگ» نوشته سیلویا پلات هستم. این کتابی بود که باعث شد من بخواهم نویسنده باشم». هیات داوران این فستیوال در روز بیست و هشتم ماه فوریه به هدایت خانم گراسکوپ و با حضور جان والش ستون‌نویس ایندپندنت این فهرست اولیه را به ۲۱ رمان کاهش می‌دهد و در نهایت یک رمان را به عنوان برنده انتخاب می‌کند. گراسکوپ می‌گوید: «مردم را تشویق می‌کنم این کتاب‌ها را دوباره بخوانند و ببینند هنوز هم همان تاثیر را دارند یا نه؟ اینها کتاب‌هایی برای زمان‌های خاص در زندگی شما هستند. چه اهمیتی دارد اگر آنها وقتی ۶۰ سال دارید احساس ژرف بودن برای‌تان ایجاد نکنند؟» رمان هری پاتر را نسل امروز به خاطر فیلم‌هایی که بر اساس آن ساخته شده به خوبی می‌شناسند. ناتور دشت اثر جروم دیوید سالینجر نیز به قهرمانی شخصیتی نوجوان به نام هولدن کالفیلد نخستین بار در سال ۱۹۵۱ در امریکا به چاپ رسید. این کتاب ابتدا در دهه ۱۳۴۰ با ترجمه احمد کریمی حکاک، بار دیگر در دهه ۱۳۷۰ با ترجمه محمد نجفی، و بار سوم در سال ۱۳۹۴ با ترجمه آراز بارسقیان در ایران منتشر شده است. (منبع: مهر)

خودزنی / محیط زیست

شهرداری تهران کارخانه تولید آسفالت دارد؟

من که تا امروز نمی‌دانستم شهرداری تهران کارخانه تولید آسفالت دارد. شما می‌دانستید؟ جالب این است که شورای شهر تهران حکم تعطیلی این کارخانه را صادر کرده، اما شهرداری تا به حال در این زمینه اقدامی جدی صورت نداده است. همین امر سبب شده شهردار تهران امروز از یکی از اعضای شورای شهر در این باره تذکر بگیرد. خبر این تذکر را در ادامه می‌خوانید: رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران با اشاره به آلایندگی کارخانه تولید آسفالت متعلق به شهرداری تهران، گفت: این کارخانه با وجود داشتن حکم توقف فعالیت، همچنان فعال است از این رو به شهردار تهران برای فعالیت آلاینده این مجموعه از شهرداری تذکر می‌دهم. رحمت‌الله حافظی سه‌شنبه ۱۵ دی ماه، در تذکر پیش از دستور جلسه علنی امروز شورای شهر با بیان اینکه ابزار قانونی برخورد با صنایع و مشاغل آلاینده در اختیار شهرداری است، اظهار کرد: متاسفانه شاهد هستیم برخی از فعالیت‌های شهرداری تهران آلاینده محیط زیست است که نمونه آن کارخانه تولید آسفالت در منطقه ۱۸ شهرداری است. وی ادامه داد: سال گذشته تذکر شفاهی مبنی بر توقف فعالیت این کارخانه به شهردار منطقه ۱۸ داده شد که وی در پاسخ اعلام کرد کارخانه متعلق به یکی از معاونت‌های شهرداری است. پس از این موضع‌گیری، مسیر قانونی برای توقف فعالیت کارخانه از طرف کمیسیون سلامت شورا طی شد که خروجی آن صدور حکم کمیته بند ۲۰ بود. حافظی با اشاره به اینکه حکم کمیته بند ۲۰ را شهرداری منطقه به کارخانه ابلاغ نکرده است، تاکید کرد: با توجه به اهمیت موضوع و مشکلات زیست محیطی ناشی از فعالیت کارخانه آسفالت، به شهردار تهران برای توقف فعالیت کارخانه آسفالت‌سازی تذکر جدی داده می‌شود تا حکم صادره ابلاغ و اجرا شود. حافظی درباره مشکلات منطقه ۱۵ و فعالیت اوراقچی‌ها، گفت: بر اساس اقداماتی که شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل صورت داده است، این صنف تابستان ۹۵ به مجتمع ثامن الحجج واقع در منطقه فرون‌آباد خارج از شهر تهران منتقل خواهند شد.

وی درباره فعالیت کارخانه سیمان در این منطقه نیز افزود: بازدیدی از کارخانه صورت گرفت و بر اساس رصد آنلاین اداره کل محیط زیست تهران و فرمانداری ری مشخص شد خروجی این کارخانه آلاینده نیست. آنچه موجب آلودگی هوا شده فعالیت دو کارگاه سنگ‌خردکنی متعلق به بخش خصوصی است که در مجاورت کارخانه سیمان است و از ساعت ۲۳ تا ۵ صبح فعالیت دارند. البته با تلاش‌های صورت‌گرفته حکم توقف فعالیت این دو کارگاه سنگ‌خردکنی در کمیته بند ۲۰ صادر شده است. رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران، تاکید کرد: متاسفانه این حکم به دستور دیوان عدالت اداری متوقف مانده است این در حالی است که سلامت مردم به دلیل این فعالیت‌ها به خطر افتاده است. نگذاریم بیشتر از این سلامت مردم تهدید شود، از این رو درخواست می‌شود که دیوان عدالت اداری در اجرای حکم همراه شود. حافظی همچنین به سنگ‌بری‌های خیابان فدائیان اسلام اشاره کرد و گفت: غرب این خیابان در محدوده منطقه ۱۶ است که تنها ابزارزنی می‌کنند اما در شرق این خیابان که جزء محدوده منطقه ۱۵ است قله‌بری نیز می‌کنند که این اقدام موجب آلودگی صوتی و ایجاد گرد و غبار شدید می‌شود از این رو از شرکت ساماندهی مشاغل شهرداری تهران درخواست می‌شود که ورود جدی برای توقف این فعالیت داشته باشد.

گردش روزگار برعکس است

سفرت به خیر اما... / به شکوفه‌ها به باران برسان سلام ما را.... (محمدرضا شفیعی کدکنی)

طرح: Alessandro Gatto / ایتالیا

با کاروان حله / اخبار هنر

حمایت از «آشغال‌های دوست‌داشتنی»

شهاب حسینی از مقام خود به عنوان مشاور دبیر سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر استعفا داد. حسینی در نامه‌ای سرگشاده دلایل استعفای خود را توضیح داد. متن نامه حسینی بدین شرح است: «پذیرش سمت مشاور دبیر جشنواره سی و چهارم فیلم فجر در خلال مشغله کاری‌ام، صرفا به این دلیل بود که تصور مي کردم در این دوره، وجود نگاهی نو و اندیشه‌ای تازه موجب عدم تکرار اشتباهات گذشته و رفع نواقص دوره‌های قبل خواهد شد... اما متاسفانه، موضع‌گیری دبیر جشنواره سی و چهارم فیلم فجر در قبال فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» و اطلاق اصطلاحَ «معضل» به این اثر که با مجوز قانوني وزارت محترم ارشاد ساخته شده و طی چند دوره گذشته در محاق بدبینی و سیاه‌نگری قرار گرفته، امری قابل تامل، و نشانگر بطلان تصورات پیشین بنده است.... اینجانب، سیدشهاب‌الدین حسینی به عنوان بازیگر فیلم مذکور در جهت کاهش معضلات دبیر محترم جشنواره فیلم فجر، بدین وسیله از سمت مشاور جشنواره سی و چهارم، اعلام انصراف و کناره‌گیری می‌نمایم. امید که یگانه یار متعال، دل های ما را به نور مهربانی و امید روشن گرداند. محمد حیدری دبیر سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر در نشست مطبوعاتی این جشنواره و در پاسخ به پرسشی درباره حضور یا عدم حضور فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» سومین فیلم محسن امیریوسفی در این دوره از جشنواره از آن به عنوان معضل یاد کرده و گفته بود که این فیلم هر سال به معضلی برای جشنواره فیلم فجر تبدیل می‌شود.

لیلا حاتمی و کوروش تهامی در «رگ خواب»

حمیدنعمت‌الله و تیم تولید «رگ خواب» به حوالی خیابان‌های سمیه رسیدند و تا امروز ۳۰ درصد از مراحل تولید فیلم را پشت سر گذاشتند. با اعلام فهرست نهایی فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر، گویا فیلم «رگ خواب» حمید نعمت‌الله یکی از غائبان بزرگ جشنواره است. تیم تولید این پروژه سینمایی در حوالی خیابان سمیه تهران کارش را شروع کرده است و تا امروز کوروش تهامی و لیلا حاتمی جلوی دوربین نعمت‌الله رفتند. ۳۰ درصد از مراحل فیلمبرداری تازه‌ترین اثر سینمایی حمید نعمت‌الله انجام شده و کوروش تهامی بازیگر سینما و تلویزیون در اولین همکاری‌اش با نعمت‌الله با گریم جدیدی جلوی دوربین رفته است. هفته آخر آذرماه تولید فیلم سینمایی «رگ خواب» در تهران شروع شد. این فیلم که با نام «مینا» پروانه ساخت گرفت، نوشته معصومه بیات است و خود نعمت‌الله تهیه‌کننده آن است. قصه این فیلم درباره اضمحلال یک زن است و به نظر می‌رسد نعمت‌الله قصد دارد فضایی متفاوت را در این فیلم تجربه کند. برخی از عوامل این اثر سینمایی عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: فرشاد محمدی، صدابردار: بابک اردلان، تدوین: مهدی سعدی، طراح صحنه: حمیدرضا میرزامحمدی، طراح لباس: آزاده قوام، مجری طرح و طراح گریم: سهند ترابی، عکاس: امیرحسن شجاعی، منشی صحنه: شیدا یوسفی، برنامه‌ریز و دستیار کارگردان: فواد چاومه، دستیاران کارگردان: ایما استمراری، علیرضا اسکندر، بامداد نعمت‌الله، منشی صحنه: شیدا یوسفی، دستیار برنامه‌ریز: شبنم شبدیز، نورپرداز: داود محمدی و...

یادداشت روز

کتابم را معرفی کنم یا ببخشم؟

رئیس سازمان کتابخانه ملی ایران، در اردیبهشت ۸۷ گفت هر شهروند ایرانی در شبانه‌روز تنها دو دقیقه از وقت خود را به خواندن کتاب اختصاص می‌دهد که این میزان در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته همانند ژاپن و یا انگلیس که سرانه مطالعه در حدود ۹۰ دقیقه در روز است و یا در مقایسه با کشورهای در حال توسعه‌ای همانند ترکیه یا مالزی که این عدد نزدیک به ۵۵ دقیقه در روز است، یک فاجعه است که با توجه به حضور فعال فضاهای مجازی و سر به درون گوشی‌ها و تبلت‌ها رفتن شاید بتوان این آمار را به زور اندکی تغییر داد. از سوی دیگر هزینه بالای چاپ و تیراژ پایین کتاب‌ها و از سوی دیگر عدم علاقه‌مندی مخاطب برای خرید آثار ادبی نیز باعث شده است کتاب‌ها دیگر آن رونق گذشته را نداشته باشند، در واقع شاید به جد بتوان گفت که کتاب و ادبیات امروز بی‌فروغ شده است. اگر روزی ورق زدن کتاب برای کتاب‌خوان‌ها لذتی وصف‌ناشدنی بود، امروز شاید جست‌وجو کردن و خواندن کتاب‌های الکترونیکی که به راحتی در دسترس هستند لذت‌بخش باشد. در این میان گاه حرکت‌های خودجوشی از سوی اهل فرهنگ شکل می‌گیرد که بسیار دلنشین است. مثلا اتفاقی که فرهنگ‌دوستان اهوازی در ایام عزاداری سالار شهیدان رقم زدند و آن نذر کتاب بود. درست در زمانی که همه به دنبال نذری دادن در اشکال مختلف هستند، نذر کتاب برای ترویج فرهنگ کتابخوانی بسیار نکته پر اهمیتی است و ای کاش بتوان علاوه بر اینکه به فکر غذای جسم بود، به فکر غذای روحمان نیز باشیم. درحالی که ما تلاش می‌کنیم بلکه بتوانیم یک دقیقه بر سرانه مطالعه بیفزاییم سال‌های بسیار دور، مردم فرانسه حرکت خودجوشی را شکل دادند و کتاب‌هایی را که می‌خواندند در مکانی جا می‌گذاشتند تا شخص دیگری نیز این امکان را داشته باشد که بتواند کتابی را مطالعه کند. این رویکرد نه تنها باعث شد افزایش سرانه مطالعه در آن کشور بالا برود، بلکه این حرکت خودجوش شکل جدی به خود گرفت و هنوز هم ادامه دارد. هرچند دولت نیز در این میان نقش کمرنگی را برعهده گرفت و خرده‌حرکتی در این زمینه انجام داد اما نتوانست در این زمینه موفق عمل کند. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برای ترویج فرهنگ کتابخوانی مدتی تلاش کرد و ایستگاه‌های مطالعه را راه‌اندازی کرد اما به دلیل اینکه این موضوع خیلی مطالعاتی نبود و فقط از سر اینکه حرکتی شکل گرفته باشد، انجام شد به نوعی می‌توان گفت شکست خورد. در همین وانفسای به هم ریخته کمبود سرانه مطالعه و کمبود کتاب جوانان ایرانی حرکتی را که سال‌ها پیش مردم فرانسه شکل دادند شروع کردند و در مکان‌های فرهنگی اقدام به این فعالیت کردند، امید است که بتوانند حداقل با این حرکت‌های کوچک، کشتی شکسته سرانه مطالعه را در ایران از غرق شدن نجات دهند. اما سوال اینجاست که با پایین بودن سرانه مطالعه و هزینه بالای خرید کتاب، آیا جا گذاشتن کتاب، می‌تواند حرکت شایسته‌ای باشد و می‌تواند به آمار مطالعه ایران کمک کند یا نه؟ اصلا کتاب خوب را باید معرفی کرد یا بخشید؟ به نظر می‌رسد با توجه به سرانه پایین مطالعه به‌خصوص در بین جوانان حرکت‌های اینچنینی می‌توانند موتور خاموش مطالعه را روشن کنند. بیاییم در کنار فعالیت‌های روزانه خود ساعتی هر چند کوتاه را به مطالعه اختصاص دهیم چرا که کتاب می‌تواند بهترین دوست انسان باشد.

(منبع: هنرآنلاین / زینب افتخاری)